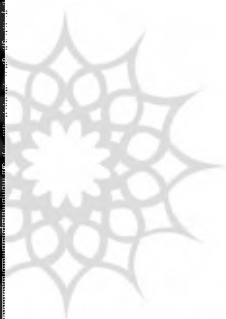


اسناد و مکاتبات تاریخی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مجله بررسی های تاریخی در هر
شماره خود چند سندی از اسناد و مکاتیب
تاریخی خطی که قبلا درجائی دیگر چاپ
نشده باشد بچاپ خواهد رسانید تا بدین
ترتیب رفته رفته مدارك و اسناد پراکنده
تاریخ ایران جمع آوری و برای استفاده
اهل تحقیق آماده گردد .

این نامه که از اسناد معتبر و مهم مربوط بتاریخ مشروطیت ایران میباشد بخط علیقلی خان بختیاری سردار اسعد و خطاب به حاجی محمد حسن امین الضرب دوم میباشد که از اصفهان نوشته شده است .

اصل نامه امضاء و تاریخ ندارد ولی روی پاکت آن مهر بادامی علیقلی و تاریخ روز یکشنبه هفتم شهر جمادی الاخری ۱۳۲۴ موجود است .

موضوع نامه مربوط به مهاجرت علما به قم و تاریخ نوشتن آن هفت روز قبل از صدور فرمان مشروطیت (۱۴ جمادی الاخر) میباشد . اصل این نامه در مجموعه اسناد عثی متعلق به آقای دکتر اصغر مهدوی استاد دانشگاه میباشد .

نامه علیقلی سردار اسعد به حاجی محمد حسن امین الضرب

«قربانت شوم از مرحمت سرکار در راه بدنگذشت. پنج روزه وارد اصفهان شدم در خانه جناب اجل آغا باشی وارد شدم . از ملاقات ایشان رفع خسته گی [کذا] راه شد . از حال شهر وطن بخواهید اگر چه یقین میدانم نوشته جات متعدد برای سرکار میرسد اما این که بنده عرض میکنم اصل مطلب است . چند روز است آقایان مجلس درس را موقوف کرده اند و بنده سه روز است وارد شده ام . هر روز خدمت جناب آقا نجفی سلمه اله و جناب حاجی آقا نوراله شرفیاب میشوم ، بهر زبان که میدانستم از وعده [و] وعید [و] تهدید آنها را از همراهی آقایان طهران منصرف کنم به آنها گفتم . تایک اندازه از آن خیالات منصرف کرده بودم اما بکلی نتوانستم که آنها را ساکت کنم . شهد اله حضرت والاروحی فداه هم خیلی اقدام کردند که آقایان را در این گفت گو ساکت و بی طرف بکنند اما ممکن نشد . بالاخره آقا نجفی میفرمایند میروم به قم اما برای اصلاح میروم و طرف گیری ندارم از قراریکه شنیدم دیروز تلگرافی به

در راه پل
 این
 در
 راه شب از راهی از وطن گواهد از کرم
 نوشته‌هاست متعدد برای یکجا برسد
 بنده شش من مکتم اصل مطهرات خدا در
 آهانی ممکن در سفر موقوف کرده اند
 سه روز است و از روزه هم بهر او روزه
 از بعضی سوره‌ها در حالت حرفی آن کورالم
 میگویم هر روزی که صد اسم از او بخواند
 اینها را از بهر آن که آن کورالم
 به آنها کفتم تا یک باره از آن غفلت

آقایان قم کرده بود که می آیم و از همراهی شما غفلت ندارم . در فرمایشات شما
 حاضرم . امشب که میروم آنها را می بینم و باز هر قدر ممکن است سعی میکنم
 بلکه از خیال رفتن قم منصرف بشوند تا چه شود . این دو روزه بد حرفی را
 روی منبر موقوف کرده اند اما از برای آمدن قم مصمم هستند . آقا نجفی و حاجی

برای که ان شاء الله دفعه سده در آن
 عیال در دفعه الطور بعضی انعمت بر دفعه بعضی
 در سده شش از آن که هم به آنها دفعه
 مدار در آن است
 در آنجا که علمای و مشایخ
 سردار آنها که علمای و مشایخ
 در آنجا که علمای و مشایخ

قسمت آخر نامه سردار احمد

آقانوراله و چند نفر دیگر از علمای مصمم حرکت هستند بنده هم اصفهان مانده‌ام بلکه بتوانم آقایان را از آمدن قم منع کنم تا چه شود . انشاء الله روز حرکت از اصفهان که دو روز یا سه روز دیگر است عریضه عرض میکنم منتظر تعلیقه جات سرکار هستم . فراموش نفرمائید . زیاده عرضی نیست و السلام .

سپس در صفحه دیگر این مطلب اضافه شده است :

« پولی که به آقایان داده شده و گمان سرکار این بود عثمانی داده بطور یقین انگلیس ها داده بودند و وعدهٔ بیش از اینها هم به آنها داده اند. خداوند تمام کند انگلیس را که بد مردمی میباشند. حکایت نفت هم نزدیک است میانهٔ بنده با آنها بکلی پاره شود. زیاده عرضی نیست. »

- ۲ -

فرمان تأسیس مجلس شورای ملی که بعد ها به فرمان مشروطیت معروف شد در ۱۴ جمادی الاخر ۱۳۲۴ قمری از طرف مظفرالدین شاه صادر گردید و برای آگاهی « قاطبهٔ اهالی مملکت » بصورت اعلان چاپ و پخش گردید .
اصل این فرمان متأسفانه در دست نیست و متن آنرا که در کتابها و جراید می بینیم از روی همان اعلان چاپست .
اینک عکس اعلان مزبور را که نسخه ای از آن خوشبختانه در میان انبوهی از اسناد و مدارک تاریخی و مالی قرن اخیر و متعلق به آقای دکتر اصغر مهدوی استاد دانشگاه بدست آمد برای نشان دادن شکل و طرح آن در اینجا بچاپ میرسانیم ولی از نقل متن آن بسبب آنکه مکرر بچاپ رسیده است خودداری میکنیم .

- ۴ -

این نامه که مورخ بتاریخ ۲۲ شوال ۱۳۲۴ بوده بخط حاجی میرزا محمد ابراهیم ملك التجار اصفهانیست که در مورد تمین نماینده تجار اصفهانی برای دوره اول مجلس شورای ملی و تشکیل بانک ملی به حاجی محمد حسن امین‌الضرب نوشته شده است. اصل نامه جزو مجموعه نامه‌های خصوصی و اسناد مالی متعلق به آقای دکتر اصغر مهدویست.

۱۳۲۴

۲۲ شوال - طهران

«خدمت ذی‌ملاطفت جناب مستطاب جلال‌ت‌آب قبله گاهی حاجی امین‌الضرب دام‌اقباله‌العالی مشرف باد
فدایت شوم انشاء‌اله حالات سعادت آیات، قرین صحت و سلامت است
وملائی نیست.

گزارش از قرار است که همواره عرض شده اینک زحمت میدهد. رقیمه مورخه ۱۴ شهر حال زیارت شد و از سلامتی خداوند را شاکر شدم و مطالب دریافت گردید. قطعه برات پانصد تومان مهر جناب آقا عبدالمحسن رئیس-التجار از نجف اشرف در جوف رسید و در محاسبه ثبت شد. مخلص هم در هفته قبل سه قطعه برات که عبارت از سه هزار و چهارصد تومان بوده باشد فرستاده و ارسال خدمت نموده‌ام انشاء‌اله رسیده بدرجه قبول رسانیده جزء محاسبه ثبت نموده‌اید. در باب و کیلی که از جانب تجار محترم بجهت مجلس شورا باید معین شود دوز قبل که جمعه ۲۰ ماه بود حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای نجفی وثقه الاسلام آقای آقانوواله و بعضی آقایان دیگر و جناب جلال‌ت‌آب رکن‌الملک و جناب مستطاب ملاباشی و تمام تجار محترم را در بنده منزل زحمت داده آرای خود را بجهت و کیلی تجار بدهند، دادند در صندوقی انداخته روز

۱۲۲۴
۲۲ تیر ۱۲۰۴

۴۸

فوت حضرت باب سداب بنده کلمه الهی

فوت است
۴۸ حادثت بیگانهت در حقش

لا قدر است در مورد آن غرض است و سبب محبت است در حقش

از علمش صورت برداشتن کلام و مطالب ریاضت و غیره قطعه کلام

تا به غیر سبب آنرا در کتب این در حروف در دستش

فصلی در دستش است قطعه کلام و ریاضت در دستش

همه باشد در تمام در کتب و کتب معتمد ام ۴۸ از سبب کلمه

خبر آنجا است که معتمد ام در کتاب کلام و در دستش

Handwritten marginal notes on the right side of the page, including the date 1204 and 22 Tir 1204.

Handwritten marginal notes on the left side of the page, including the date 1204 and 22 Tir 1204.

قبل که شنبه ۲۱ ماه بود صندوق را بحضور مبارک بردند هنوز تعیین و کیل نشده همین قدر که معین شد و معلوم کردند عرض میشود و اما در باب بانگ ملی سؤال و جواب بسیار شد. بقدر بیست و هفت هزار تومان همان روز قول دادند که ده تومان آن مجدداً خود بنده و جناب حاجی محمد خان صاحب تاجر کازرونی بوده ایم و باقی آقایان و ملاباشی و رکن الملک که حضرت والا ظل السلطان روحنا فداه قبول نفرمودند. فرمودند کم است آقایان باید پنجاه هزار تومان بدهند تجار هم پنجاه هزار تومان بدهند منهم یکصد و پنجاه هزار تومان میدهم سایرین هم هر کس هر چه خواست بدهد. این سه فقره را من خودم تعیین نموده ام باید حکماً بدهند. چون هنوز تعیین نشده و معوق است زیاده از این عرض نمی نمایم بعد از تعیین و تشخیص، صورت آنرا عرض مینمایم و تجار محترم هنوز چیزی حضور نیاورده اند مگر هزار تومان جناب حاجی سید علی تاجر قزوینی و پانصد تومان جناب حاجی محمد جعفر تاجر اصفهانی که اگر بخواهید در روزنامه درج فرمائید صورت آنچه در بنده منزل قول دادند عرض میشود تا بعد بکم و زیاد رجوع شود.

حجة الاسلام آقای نجفی پنجهزار تومان - ثقة الاسلام حاجی آقا نوراله دو هزار تومان - حاجی آقا حسن ولد مرحوم حاجی سید جعفر بیدآبادی هشتصد تومان سلاله [؟] آقای ملاباشی آقا میرزا احمد پنجهزار تومان - آقای رکن الملک میرزا سلیمان خان دو هزار تومان - جناب حاجی سید علی خز فروش هزار تومان جناب حاجی محمد حسین تاجر کازرانی سوای فقره سابق پنجهزار تومان - حقیر سوای فقره سابق پنجهزار تومان - جناب حاجی محمد جعفر تاجر اصفهانی پانصد تومان .

از بابت اسامی آقایان که ذکر شده چونکه فرموده حضرت والا این قسم که عرض شده است صلاح بدانید از این تفصیل فرمایش نفرمائید تا تلگراف باید کنم صحیح بلکه زیاده از این مبلغ هم صورت گرفته باشند تفصیل را عرض خواهم کرد. مقصود از این عرایض این است که کوتاهی نشده و نخواهد شد اقل الحاج محمد ابراهیم اصفهانی. «